

در میدان نبرد

مقصود این نیست که علل وانگیزه های جهاد اسلامی را بطور کامل بررسی کنیم بلکه میخواهیم سیمای اسلام را در میدان نبرد مورد توجه قرار داده و چهره این آئین زندگی را که برای بشریت «صلح» و «اسلام» پادشاهان آورده بطور اجمال در صحنه کارزار نبرد ببینیم و ساخت و مفادای شگفت انگیز اسلام را در میان جنگ از نظر بگردانیم .

پیدا شدنی است سه لکنه اساسی زیر را مورد توجه قرار دهیم :

۱ . مکتبها و اپدولوژی های که بطور کلی جنگ را سر میزنند در عالم خیال و آرزو بسر میبرند ، اپدولوژی صحیح است که وارد هر يك از صلح و جنگ را آسود که صلاح بشریت و موجب سعادت است دقیقاً مشخص شود .

بدیهی است که هر مکتب حق و اپدولوژی نادره ای که منادی حق و عدالت باشد و بخواهد اسالت و اثر عملی داشته باشد خواهد با جوانمردی و مخالفت و معارضه عده ای که بناحق مقامات و پادشاهی برای خود احراز نموده و مکتبها را در بندگی و استغناء خود در آورده اند بر میخورد و بناچار باید خود را برای ستبر و نبرد با این قبیل افراد که سر جنگ و ستبر با آئین حق دارند آماده کند .

۲ . بهمین دلیل اسلام آئین زندگی و مکتب حق و منادی عدالت در میدان نبرد چهره نشان داده و پیروان خود را امر به جهاد و مبارزه نموده است و لی باید دانست که هیچگاه جنگ هدف اصلی نبوده بلکه در اپدولوژی هدایت شده اسلامی صلح و دوستی ، مدارا و مسالمت اصل و هدف بحساب آمده و جنگ تنها در موارد استثنائی برای حفظ موجودیت خود و در نتیجه سعادت صلح و سعادت بشری از گزند عوامل مخالف و معاند آنها با حدود و شرائطی مخصوص و سد رسد انسانی که بدانها اشاره خواهیم کرد لازم و ضروری شمرده شده است .

۳ . همانطور که در بخشهای گذشته گفتیم باب تساهل و مسالمت و همزیستی در اسلام بحدی وسیع است که آنرا در هیچ يك از شرایع و مکتبهای اجتماعی نمیتوان سراغ گرفت .

مسئله محبت و بردوستی از مقایسه اصل و ارکان این آیین مقدسات و اسلام تا این اندازه از انبساط و مدارا پیش رفته که قرآن مجید به مسلمانان دستور میدهد همینکه کسی با شما از دین صلح و سلام آورد و روی مسالمت و دوستی نشان داد او را در شمار مؤمنان حساب آرید؛ در باره کسی که بجانب شما صلح و آشتی عرضه داشت، نگویید: مؤمن نیستی (۱) در آیات زیر سیمای رحمت و خیر و بردوستی اسلام کاملاً نمایان است: ای کسانی که ایمان آورده اید، عسکی وارد صلح و صفا شوید. (۲) ای پیغمبر ترا فرستادیم مگر اینکه رحمت برای همه جهانیان باشی (۳) و چنانچه دو طایفه از مؤمنین بعتک دستتیز باهم بپزدانند آنها را بایکدیگر آشتی دهید... (۴) افساض کنید و ندیده بگیرید، آحادوست ندارید که پروردگار انشا درگذرد (۵) پیوسته خیانت تازه ای از آنها بر تو کشف میشود مگر عده کمی از آنها، خطای آنها را ببخش و صلح کن همانا خداوند نیکوکاران را دوست میدارد (۶) از خطاهای مشرکین چشم پوشی کن و با آنها صلح و سلام عرضه مدار... (۷) هنگامیکه برای صلح تمایل نشان دادند پس تو هم مواظقت کن و بر خدای تو کل بیا... (۸) و چنانچه از شما کتاره گیری کردند و جنگ را شوق مند شده و صلح را فرسخه داشته، در این هنگام خداوند برای شما برسد آنها را هر قرار نداده (۹) (و اجازه تعرض ندارید).

اسلام تا آنجا دامنه صلح و صفا و دوستی را توسعه داده است که حتی در باره کفاری که دست بچنگ و آزار و اخراج مسلمانها دراز نموده اند، اجازه میدهد با آنها ابداء دوستی و احسان رفتار شود؛ در باره کسانی که با شما بچنگ در زمین بفرج آخته و شما را از سر زمینهایتان اخراج نموده اند؛ خداوند نصیب کند که با آنها دوستی یکی و عدالت رفتار کنید بطور حتم خداوند داد گران را دوست دارد. (۱۰) و در صورتی که با شما در صلح و صلواتی از طرف مسلمانان حق ندارند از روش عادلانه خود دست برداشته و تمندی و تجاوز را پیشه خود سازند؛ نباید دشمنی از آن دسته که شما را از مسجد الحرام مانع شده اند، موجب گردد که تعدی کنید (۱۱) تا تمام

(۱) وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَقَا لَمْ يَلْفُقْهُ إِلَّا عَدُوٌّ يَبْغِي الْوَلْدَ بَعْدَ الْوَلْدِ ۚ

(۲) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً لَا يَفْرُقُ بَيْنَهُمْ

(۳) وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ۚ

(۴) وَإِن طَافْتُمُ النَّاسَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْفِتْنَةَ فَاسْتَحْرَابُهُمَا ۚ وَجَزَاءُ

(۵) وَلِيَعْنُوا وَيَلْجِئُوا لِيَتُوبُوا إِلَىٰ رَحْمَةِ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ

(۶) وَلَا تَرَالِ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۚ إِنَّهُمْ كَانَتْ عَلَيْهِمْ وَاسِعَةٌ

مَالَهُ ۚ ۱۶. (۷) فَاسْتَفْعِنِي بِهِمْ وَقُلْ سَلَامٌ... ذُخْرٌ ۙ ۹۹

(۸) فَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ

(۹) فَإِن عَصَاكُمْ فَإِن تَوَكَّلْتُمْ عَلَيْكُمْ جَمِيعًا فَمِن قَبْلِ اللَّهِ

(۱۰) لَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ مِنَ الدِّينِ لِمَ يَتَّقُواكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُواكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ

وَتَقَاتَلُوا فِيهَا فَمَا يَتَّقُواكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُواكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ

(۱۱) وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقَوْمٍ أَن سَبُّوا كُفْرًا تَتَّبَعُوا ۚ